

اگر بخوانم و یا نخوانم!

17 دسامبر 2009



گیسو شاکری

تنها با خواست یا عدم خواست سرنگونی بنیادین رژیم جمهوری اسلامی و پیگیری برای داشتن قوانینی بر مبنای برابری کامل اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی زنان و مردان و جدایی کامل دین و مذهب از سیاست و دولت، عدم وجود زندان های سیاسی، نبود اعدام در قوانین قضایی، عدم وجود سانسور به هر شکل و بهانه، آزادی بدون قید و شرط بیان و مطبوعات و احزاب میتوان طرفداران حقوق مردم را شناخت. راه رسیدن به آزادی و دموکراسی و حکومت قانون و عدالت اجتماعی از مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی با همه ی جناح ها و دسته بندی های درونی و برونی اش میگذرد.

اگر بخوانم و یا نخوانم، بنویسم و یا ننویسم، سخن بگویم و یا مَهْر سکوب بر لب زبم، چه آنچه را که در سرزمین ما میگذرد تفسیر کنم و چه به اشاره ای بگذرم، جنایت های سی سال حکومت این رژیم مذهبی و متجاوز، زورگو، ضد آزادی و زن ستیز را فراموش نخواهم کرد. این جماعت فریبکار را که بر قدرت نشسته اند و دست های پنهان و آشکارشان سی سال است که به خون پاکترین فرزندان این ملت آغشته است، نخواهم بخشید.

دو پدیده ی "فراموش کردن" و "بخشیدن" بخشی از اصلیترین سبب هایی است که به عنوان دو عنصر ریشه دار در تاریخ ما، ما را به این جایی رسانده است که " اکنون " ما را شکل می دهد. اکنونی که ارزش های انسان و احترام به آزادی، به فجیع ترین شکلی پایمال کسانی میشود که خود را جانشینان خدا بر روی زمین میدانند و با قوانین قرون وسطائیشان، ننگین ترین جنایت ها را در کل جامعه مرتکب میشوند. کسانی بر ما حاکم شده اند و حکومت را در دست گرفته اند که حاصل قدرت شان نظام جمهوری اسلامی ست. نظامی که در زندانهای آن فرزندانمان را آشکارا کشتار می کنند و آنها را مورد شکنجه و تجاوز قرار می دهند، زنان را از حداقل آزادی محروم کرده اند و فقر و فحشا و بیکاری و کودک آزاری و اعتیاد و خرافات را گسترش

داده اند.

چگونه میشود کشتارها و سرکوب های آغاز شده از فردای شکل گیری این نظام را فراموش کرد؟

تشکیل بیدادگاههای روزهای نخست، سرکوب وحشیانه تظاهرات زنان، کشتارهایی که از تهران به ترکمن صحرا و کردستان و آمل و دیگر شهرهای ایران گسترش یافت و مردم را به نام محارب به قتل رساند، قتل عام هزاران مجاهد و کمونیست و آزادی خواه در زندانها، به نام محارب و مفسد فی العرض و به دستور و فتوای کتبی و مستقیم رهبر جمهوری اسلامی ایران روح الله خمینی و با همکاری دست اندر کاران رسمی آن زمان، ترور مخالفان در داخل و خارج از کشور، ربودن روشنفکران و نویسندگان و به قتل رساندن آنان، تنها بخشی از جنایاتی است که همچنان ادامه دارد.

خیزش اخیرمردم ایران نشان داد که دانشجویان، زنان و مردان و زحمت کشان جامعه ی ما هوشیارند. علیرغم سانسور و کنترل و سرکوب، بسیاری از آنان تاریخ سی ساله ی اخیر را به خوبی میدانند. این موج عظیم نشان داد که مردم ما فریب مخالفان کنونی را که به ساخت و بنیادهای جمهوری جهل و فریب و جنایت اسلامی و بنیان گذار فریبکار آن وفا دارند، نخواهند خورد و شعارهایی مانند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" شاهد آن است.

زنان ما که در صف مقدم مبارزه و مقاومت ایستاده اند، خواهان برابری و آزادی بدون قید و شرطند و برای لحظه ای خواستهای برحقشان را فراموش نمیکنند. آنان می دانند که بدون شکستن ساختار سیاسی و اجتماعی و قضائی حاکم بر ایران رسیدن به خواست هایشان امریست ناممکن. آنها چون دیگر اقشار جامعه فریب مخالفان امروز را که در بنیان گذاری این حکومت جهل و فریب دست داشته اند، نخواهند خورد و اجازه نخواهند داد که فرصت طلبان رهبری جنبش آزادی خواهانه و انقلابی شان را به عهده بگیرند و با تبلیغ مسالمت و سکوت جریان حرکت آنان را به انحراف بکشانند.

مادران و پدران ما قتل عام فرزندان شان را در زندانها و در خیابانها با سکوت برگزار نخواهند کرد. فرزندان که راه سرخ مبارزه را نه به اجبار که از سر باور انتخاب کرده بودند. مادران جان باخته گان این جانهای سرگردان در پارکها خونهای به خاک ریخته

شده ی فرزندان شان را نه فراموش میکنند و نه عاملان این کشتارها را خواهند بخشید .

آنان خواستار محاکمه ی عاملان این جنایات هستند . آنان میدانند که حتی عنوان " مادران جان باخته گان " لرزه بر اندام فریب کاران جمهوری اسلامی میاندازد. آنها میدانند که پیشنهاد تغییر نام " مادران جان باخته گان " به " مادران صلح " یکی دیگر از ترندهای این فریب کاران است.

تاریخ ما سرشار از فریب است. فریب قدرت طلبان.

این روزها در یک خیمه شب بازی آشکار کوشش می شود تا با تکیه به نام خمینی و حفظ قانون اساسی یک بار دیگر تمام کوشش های یک نسل برای رسیدن به آزادی و برابری و دمکراسی قربانی شود و جهل و جنایت را که مشخصه ی این حکومت دیکتاتوری مذهبی بنیادگرا و مرتجع است یک بار دیگر اما، این بار با رنگی دیگر، بر ما حاکم کنند. در حالی که رهبر و عامل اصلی سی سال تیره روزی، کسی نیست جز روح اله خمینی. اینها نمیتوانند انکار کنند که علیرغم چهره ی امروزشان در تمام جنایات دیروز نظام جمهوری اسلامی شریکند و همگی از دست پروردگان اندیشه های خمینی اند.

تنها با خواست یا عدم خواست سرنگونی بنیادین رژیم جمهوری اسلامی و پیگیری برای داشتن قوانینی بر مبنای برابری کامل اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و سیاسی زنان و مردان و جدایی کامل دین و مذهب از سیاست و دولت ، عدم وجود زندان های سیاسی ، نبود اعدام در قوانین قضایی ، عدم وجود سانسور به هر شکل و بهانه، آزادی بدون قید و شرط بیان و مطبوعات و احزاب میتوان طرفداران حقوق مردم را شناخت. راه رسیدن به آزادی و دمکراسی و حکومت قانون و عدالت اجتماعی از مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی با همه ی جناح ها و دستهبندی های درونی و برونی اش میگذرد.

آنان که خواستار دمکراسی و آزادی و برابری بی قید و شرط اند با مردمند.

هشدار که بار دیگر فریب فریبکاران را نخوریم.

Gisoo-shakeri@yahoo.com

دعوت به حضور در مراسم اعدامهای علنی و عمومی متهمان به محاربه در خوزستان

دوشنبه ، 23 آذر 1388



روابط عمومی و ارتباطات دادگستری کل استان خوزستان با صدور اطلاعیه و نصب بیلبورد های تبلیغی از اعدام دو دسته زندانی در طی روز های یکشنبه و سه شنبه هفته جاری خبر داد.

به گزارش واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، روابط عمومی و ارتباطات دادگستری کل استان خوزستان با صدور اطلاعیه و نصب بیلبورد های تبلیغی از مردم اهواز دعوت کرده است تا در اجرای مراسم اعدام این زندانیان شرکت نمایند.

دادگستری خوزستان در اطلاعیه مذکور اشاره ای به نام و تعداد زندانیان اعدامی ننموده است ولی اتهام دسته اول که حکمشان روز گذشته در ساعت 8 صبح در اهواز اجرا شده است سرقت مسلحانه و اتهام دسته دوم که فردا صبح ساعت 8 در سه راه خرمشهر برگزار خواهد شد محاربه عنوان شده است.

لازم به ذکر است محاربه اتهامیست که عموماً به فعالین سیاسی که اقدام مسلحانه بر علیه حکومت جمهوری اسلامی انجام داده اند از سوی دستگاه قضایی اطلاق می شود.

گزارش تظاهرات 16 آذر در

استکهلم و ثبت نام کاروان سفر برای تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد در دانمارک

یکشنبه ۲۲ آذر ۱۳۸۸ - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۹

زمان حرکت کاروان به سوی کپنهاگ: 7 صبح پنج شنبه 17 دسامبر 2009

به دعوت جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران عصر دوشنبه چند صد تن از ایرانیان در بزرگداشت ۱۶ آذر، اعتراض به سفر احمدی نژاد به دانمارک و همچنین به مناسبت روز جهانی حقوق بشر در استکهلم دست به راهپیمایی و تظاهرات همراه با مشعل زدند که به رغم هوای نسبتاً سرد و تاریکی زمستان و برپایی همزمان تظاهرات از سوی گروه‌های دیگر، با استقبال درخور ایرانیان روبرو شد.

در این تظاهرات Jytte Guteland رئیس سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات سوئد، اردلان شکرابی کاندیدای حزب سوسیال دمکرات در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا، بگیتا اولسون نماینده پارلمانی حزب لیبرال مردم و عضو کمیسیون امور خارجی پارلمان، ماکان افشین نژاد از حزب مردم سوئد و مهرداد درویش پور از برگزارکنندگان تظاهرات سخنرانی کردند. همچنین سخنرانی‌های ضبط شده‌ای از طرف ناصر زرافشان وکیل شجاع پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و منوچهر محمدی از فعالان دانشجویی 18 تیر در رابطه با روز دانشجو برای مراسم استکهلم ارسال شد. سخنرانان ضمن اشاره به نقش 16 آذر و جنبش دانشجویی در مبارزه علیه استبداد سلطنتی و دینی در ایران بر خصلت همگانی و فراگیر مبارزات امروز در ایران و جهان علیه استبداد حاکم تاکید ورزیدند و از سوئد و دولت‌های اروپایی خواستند که حمایت از حقوق بشر در ایران را فدای مصالح دیپلماتیک و اقتصادی خود نکرده و از برسمیت شناختن دولت احمدی نژاد و حضور او در مجامع بین‌المللی و از جمله کنفرانس اقلیمی در دانمارک خوداری نکنند. گزارشات از این تظاهرات در رسانه‌های سوئدی و بین‌المللی فارسی زبان نظیر بی‌بی‌سی و رادیو زمانه پخش گردید.

در قطع‌نامه این تظاهرات از سوئد و دیگر کشورهای جهان خواسته شده است تا از مبارزات مردم ایران برای دستیابی به حقوقی که بیش از

سه دهه برای تحقق آن از هرگونه تلاش مسالمت آمیز و مدنی فروگذار نبوده اند، حمایت شود و همچنین:

1. دولت کودتایی احمدی نژاد را به رسمیت نشناسند و از خواست برگزاری انتخابات آزاد و دمکراتیک زیر نظر مراجع بین المللی دفاع کنند.

2- خواستار لغو شکنجه و حکم اعدام و آزادی دستگیر شدگان اخیر و کلیه زندانیان سیاسی گردند.

3- از هرگونه فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهت تامین حقوق بشر و خواسته های برحق مردم ایران حمایت نمایند.

فیلم تظاهرات 16 آذر در استکهلم

همچنین در این تظاهرات ثبت نام برای همراهی با کاروان سفر از استکهلم به دانمارک برای شرکت در تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد در کنفرانس بین المللی اقلیمی که از 7 تا 18 دسامبر 2009 در کپنهاگ برگزار میگردد، آغاز شد. جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، ایرانیان مقیم استکهلم را فرا خوانده است تا با کاروانی که روز پنج شنبه 17 دسامبر راس ساعت 7 صبح از مرکز شهر استکهلم به سوی کپنهاگ راهی خواهد شد همراه گردند تا در تظاهرات روزهای 17 و 18 دسامبر علیه حضور احمدی نژاد و کنفرانس مطبوعاتی او در کپنهاک شرکت کنیم.

زمان حرکت کاروان به سوی کپنهاگ: 7 صبح پنج شنبه 17 دسامبر 2009
مکان

Sergelstorget

تلفنهای تماس برای اطلاعات بیشتر و ثبت نام در کاروان اعتراضی به احمدی نژاد در دانمارک

مهرداد درویش پور: 0736631177 ، سیاوش فرجی: 0739043268

هلیا زیادت: 0735735177 ، امیر نیلو: 0736005060

اریسا : 0739777592

پشتیبانی از مبارزات مردم ایران استکهلم جمعیت

بیانیه ی مطبوعاتی سازمان گزارشگران بدون مرز

شش ماه پس از کا بوس

بیان سرکوب گسترده آزادی بیان در ایران

شنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۸ - ۱۲ دسامبر ۲۰۰۹

شش ماه پس از آغاز اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد در ایران، مسوولان جمهوری اسلامی همچنان به سیاست سانسور گسترده در رسانه و سرکوب روزنامه نگاران ادامه می‌دهند. در این مدت بیش از ۱۰۰ روزنامه نگار بازداشت و بیش از ۵۰ روزنامه نگار مجبور به ترک کشور شده‌اند. ۱۲ نشریه توقیف و هزاران صفحه سایت های اینترنتی مسدود شده است.

۱۰۰ روزنامه نگار زندانی، ۳ میلیارد تومان وثیقه و بیش از ۶۵ سال زندان

چند ساعت پس از اعلام انتخاب مجدد محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری، بازداشت روزنامه نگاران از سوی وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و اطلاعات نیروهای انتظامی آغاز شد، بازداشت‌شدگان به بندهای مختلف زندان اوین انتقال یافتند. همچون استادیوم ورزشی سانتیگو شیلی در بعد از کودتای ۱۹۷۵، اوین نیز به زندانی خونین تبدیل شد که خودسری در آن حکومت می‌کند. بسیاری از روزنامه نگاران زندانی تحت فشارهای شدید روحی و مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند. پس از ۲۲ خرداد، در ایران دستکم ۱۰۰ روزنامه نگار و وب‌نگار بازداشت شده است، تعدادی از آنها با سپردن وثیقه‌های سنگین به شکل موقت آزاد و در انتظار محاکمه خود بسر می‌برند، برخی دیگر به احکامی از ۵ تا ۹ سال زندان محکوم شده‌اند. احضار و بازجویی مدام روزنامه نگاران همچنان ادامه دارد. بسیاری از حرفه‌کاران رسانه‌ها در شهر مختلف ایران از جمله اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز از سوی دادگاه‌های انقلاب و یا وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند. گزارشگران بدون مرز یادآور می‌شود ایران با ۲۷ روزنامه نگار و وب‌نگار زندانی یکی از پنج زندان بزرگ جهان برای روزنامه نگاران است.

سانسور همه جانبه رسانه های داخلی و خارجی

از فردای "پیروزی" رئیس جمهور، از سوی دولت کارزار سانسور گسترده مطبوعات داخلی و خارجی به راه افتاد. برای نخستین بار پس از انقلاب ۱۳۵۷ ماموران قضایی - امنیتی در تحریریه های روزنامه ها حضور یافتند و راسا اقدام به سانسور کردند. از انتشار چندین نشریه با مقالات مخالف با روایت رسمی جلوگیری شد. ده ها نشریه دیگر توقیف شدند: کلمه سبز در ۲۳ خرداد، اعتماد ملی در ۲۷ مرداد و روزنامه اقتصادی سرمایه در تاریخ ۱۱ ابان توقیف شدند. سیاست توقیف مطبوعات همچنان ادامه دارد. روزنامه حیات نو در ۱۷ آذر به دلیل انتشار گزارشی در باره تظاهرات مخالفان در ۱۶ آذر روز دانشجو، توقیف شد.

کارزار ضد رسانه های جمهوری اسلامی با تخریب رسانه های خارجی و به ویژه رسانه های غربی با اتهام "سخنگوی آشوبگران" ادامه دارد. در تاریخ ۲۶ خرداد محمد صفار هرنندی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار بخشنامه ای به خبرنگاران خارجی اعلام کرد که اجازه "شرکت و یا تحت پوشش خبری قرار دادن تظاهرات غیر قانونی را ندارند." ده ها روزنامه نگار خارجی که شاهدان سرکوب بودند پس از تهدید و بدرفتاری و یا بازداشت، مجبور به ترک کشور شدند، آن عده نیز که در کشور مانده اند تحت کنترل و فشارهای دائمی برای انجام وظایف خود با محدودیت های متعدد رو در روی هستند. در آستانه ۱۶ آذر مجوز فعالیت بسیاری از آنها به مدت ۷۲ ساعت در تهران و برخی از شهرهای بزرگ لغو شد.

دولت جمهوری اسلامی در تهاجم خود به رسانه ها، اینترنت و رسانه های مدرن را نیز بی نصیب نگذاشت. از روز ۲۱ خرداد بسیاری سایت های اطلاع رسانی متعلق به مخالفان مسدود شدند. و از روز بعد هر سایتی که ممکن بود به "پیروزی" محمود احمدی نژاد اعتراض کند، تعطیل شد. پیشبرد این سیاست به ویژه در آستانه هر دعوت به تظاهرات مخالفان همچنان ادامه دارد. از جمله در روزهای ۱۳ ابان و ۱۶ آذر سرعت اتصال به اینترنت از جمله در تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز به شدت کاهش یافت و یا کاملاً قطع شد. برای روز ۱۶ آذر، این اقدامات با گستردگی بیشتر و از چند روز پیش آغاز مراسم روز دانشجو آغاز شد، که عملاً مراجعه به سایت ها اطلاع رسانی و ارسال ای میل را با مشکل مواجه کرده بود. یکی از کاربران اینترنتی به گزارشگران بدون مرز در این باره گفت "صفحه اصلی جیمیل یا یاهو باز می شوند ولی برای ارسال ای میل دکمه "ارسال" ظاهر نمی شود."

از سوی دیگر ماموران حکومتی با کمک برخی از شرکت‌های خدمات دهنده اینترنتی با بکارگیری برگردان آدرس، کاربران برخی از سایت‌ها را به صفحات تبلیغاتی سایت‌های حکومتی هدایت می‌کردند. از جمله بازدید کنندگان سایت بالاترین یکی از دژهای اطلاع رسانی آنلاین جنبش اعتراضی، برای چندین ساعت قربانی این شگرد شدند. سایت‌های یوتیوب و فیس‌بوک همچنان با مشکل دسترسی مواجه هستند. کاهش سرعت اتصال، استفاده از فیلترشکن‌ها را با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند. در این روزها به ویژه در شبکه تلفن‌های همراه نیز اختلال ایجاد می‌شود، هدف حکومت جلوگیری از ارسال تصویربرداری از این طریق و ارسال آن بر روی شبکه اینترنت است. در روز ۱۶ آذر پلیس اقدام به کنترل و بازرسی شدید کسانی کرد که با تلفن و یا دوربین خود در حال تصویر برداری بودند و یا بر روی حافظه تلفن خود عکس و تصویر تظاهرات داشتند، تعدادی از این افراد بازداشت شدند.

گزارشگران بدون مرز یاد آور می‌شود که ایران یکی از سرکوبگرترین کشورهای خاورمیانه در عرصه اینترنت است و در لیست کشورهای "دشمنان اینترنت" در جهان قرار دارد. در این کشور سیستم مسدودسازی و کنترل شبکه اینترنت مشابه با سایبرسانسور چین بکار گرفته می‌شود. اخیراً سپاه پاسداران بخش عمده سهام شرکت مخابرات اصلی‌ترین شرکت خدمات دهنده اینترنت در کشور را خریداری کرده است، این شرکت قراردادهای بین‌المللی و تعهدات جمهوری اسلامی برای گردش آزادی اطلاعات را نادیده می‌گیرد.

مصونیت از مجازات پایان نایافتنی

در تاریخ ۲۲ تیر ماه پیکر علیرضا افتخاری، ۲۹ ساله به خانواده اش تحویل داد شد. وی که از روزنامه نگاران ارشد روزنامه ابرار اقتصادی و به مدت ۵ سال با این روزنامه همکاری داشته است. در تاریخ ۲۵ خرداد، در اثر ضربات خونریزی مغزی کشته شد، اما چگونگی کشته شدن این روزنامه نگار تا به امروز مشخص نشده است. اینگونه نام وی نیز به لیست روزنامه نگاران به قتل رسیده اضافه شد.

گزارشگران بدون مرز در یازدهمین سالگرد جنایات سیاسی معروف به "قتل‌های زنجیره ای" اعلام می‌کند برای روشن شدن چگونگی و دلایل به قتل رسیدن علیرضا افتخاری، روشن شدن همه حقیقت در باره مرگ وبلاگ‌نویس جوان امیدرضا میرصیافی، محاکمه و مجازات عاملان و آمران قتل مجید شریف، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، پیروز دوانی، زهرا کاظمی تلاش می‌کند.

خروج از کشور بی سابقه روزنامه نگاران ایران

از تاریخ ۲۲ خرداد بیش از ۵۰ نفر از حرفه‌کاران رسانه‌ها از کشور خارج شده‌اند. گزارشگران بدون مرز، هر روز درخواست تازه ای برای همیاری با روزنامه‌نگارانی که از وحشت زندان و شکنجه مجبور به ترک کشور خود شده‌اند، دریافت می‌کند. این موج خروج از کشور از سال ۱۳۵۷ بی سابقه است. گزارشگران بدون مرز همگان را دعوت به همیاری و همبستگی با روزنامه نگاران و وب‌نگاران ایران می‌کند. بسیاری از شاهدان سرکوب و شکنجه امروز در انتظار انتقال به کشوری امن در شرایطی نابسامان بسر می‌برند.

بیان شرایط حاضر در ایران از زبان شاعره ی جوان:

هیلا صدیقی

شنبه 121 دسامبر 2009

[میزی که خالی مانده از تو](#)



ماجرای مجید توکلی از یک منظر دیگر:



حکایت حقارت حضرات را شنیده اید. آنقدر حقیر شده اند که پنداشته

اند انتشار عکس مجید توکلی، عضو انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک در لباس زنانه، یعنی تحقیر کردن دانشجو و گذاردن نام او در کنار نام بنی صدر و یاد آوری قصه های ساخته و پرداخته دیگری چون فرار با لباس زنانه، احتمالاً جنبش را زمین گیر و سرخورده می کند.

حتما این حکایت را هم گوشه و کنار خوانده اید: مردی ژاپنی در اوایل انقلاب در تهران زندگی می کرد، روزی با همسر خود به یک رستوران رفت. در آنجا از همسرش خواستند که روسری به سر کند و سپس یک روسری هم در اختیار او قرار می دهند. مرد ژاپنی از آنان تقاضای یک روسری اضافه می کند و بعد خودش آنرا به سر کرد. وقتی پیشخدمت های رستوران توضیح دادند که فقط زنان باید حجاب داشته باشند و نه مردان، در پاسخ گفت: "اگر همسرم مجبور است کاری را خلاف میل خود انجام دهد، من هم وظیفه خود می دانم که با او همراهی کنم

به صحت و سقم هیچ کدام از این دو حکایت کاری ندارم از طرفی تردید ندارم طرفداران جنبش اعتراضی ایران و منادیان آزادی خوب می دانند آنچه موجب حقارت مجید توکلی شده است، لباس زنانه نیست، بلکه اجبار آن و انتشار عکس های آن، نوعی کوبیدن بر طبل تحقیر است که این چیز جدیدی نیست. بخش های چشمگیری از زنان ایران هیچ اعتقادی به حجاب و پوشش اجباری ندارند و سالهاست که با اجبار روسری و گاهی چادر هم به سر می کنند.

بر این اساس به گمانم قصه مجید توکلی عزیز و عکس هایش قصه حقارت بخش هایی از زنان سرزمین من است.

باید به کسانی که نا آگاهانه و ساده لوحانه ارزش های خودشان را به لجن می کشند خندید و از سویی باید غمگین بود برای کسانی که به حجاب باور درونی دارند و با نمایش مضحک اجبار در ایران سالهاست که آنها نیز تحقیر می شوند.

من از رذالت مردانی خنده ام می گیرم که با انتشار این عکس ها به یادمان آورده اند که به اجبار روسری و چادر بر سر انداختن چه بر سر مرد و چه بر سر زن آنقدر زشت و زننده است که ارزش عکس و خبر شدن دارد.

و اما نکته دیگر: اگر باز هم فرض را بر این بگذاریم که خبرهای کودتاگران درست بوده و ترس، دانشجو را ناگزیر به فرار کرده است، کجای این ترس بالیدن دارد که دولتی هراس ملت اش را به نمایش عمومی می گذارد؟ درست مثل سردار کودتا که با افتخار اعلام می کند: دکتر کهریزک از ترس بازداشت، خودکشی کرده است. در زندان و

بازداشتگاه چه می‌گذرد که ترس از آن موجب خودکشی و فرار می‌شود؟ شگفتا که همین موجب ننگ عار یک سیستم بیمار نمی‌شود تا حداقل رسوایی خودش را آنقدر ساده لوحانه جار نزند و عکس و خبر منتشر نکند که ایها الناس ببینید چه گل و بلبل هست جمهوری اسلامی که دانشجو و دکتر اش از قانون می‌ترسند و مرگ و فرار را به افتادن در دام بازجویان متجاوز و قاتل بازداشتگاهها ترجیح می‌دهند.

پس به جای احساس سرخوردگی کردن از قصه مجید باید به او بالید که کودتاگران را در دو دام انداخته است.

جار زدن رسوایی خودش، یک: روسری و چادر به اجبار زشت و مضحک است. دو: قانون و قضای حاکمیت چنان هراس انگیز است که دانشجو را وادار به فرار با لباس مبدل می‌کند. (فرض بر درستی خبر). حال.

در نظر بگیرید اگر بخشی از معترضان مذکر مثل همان مرد ژاپنی تصمیم می‌گرفتند در دفاع از زنانی که به اجبار وادار به رعایت حجاب می‌شوند روسری به سر کنند، آنوقت خبرگزاران دولت چه می‌کردند وقتی می‌دیدند که جمعیتی بر این اجبار می‌خندد و در یک حرکت نمایدن روسری و چادر به سر مردان شده است؟ اگرچه می‌دانم به دلیل تفکر ریشه ای مردسالارانه، چنین ابتکار عملی از مردان ایرانی بعید است اما آیا باز هم خبربیاران دولت کودتا با افتخار حاضر به انتشار عکس‌های به تمسخر گرفتن پوشش اسلامی خواهند بود؟ کاری که خود کرده اند و خود خندیده اند.

